

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر محبی

۳۰ جنوری ۲۰۱۲



سیاهکل و سه پهنه برای بازنگری آن

نگارش: تورج اتابکی

در بررسی‌های متعارف، بسیاری جنبش چپ مسلحانه دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی ایران را عمدتاً متأثر از جنبش‌های ضد استعماری و نیز جنبش رادیکال جوانان و دانشجویان دهه شصت و هفتاد میلادی می‌خوانند. ضمن این که تأثیر این جنبش‌ها را بر شکل‌گیری جنبش مسلحانه در ایران نادیده نمی‌گیریم، اما بر این باوریم که این جنبش اساساً الگو بردار از آن جنبش‌ها نبود. رویداد **سیاهکل** و پی‌آیند آن، یعنی **سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران** را می‌توان در سه پهنه بررسی کرد:

نخست: پهنه جهانی

در پهنه جهانی، جنبش چپ مسلحانه در ایران بر استقلالی پای می‌فشرد که پیشترها **حزب توده** با دنباله روی از اتحاد شوروی آن را زیر پا گذاشته بود.

رفتار حزب توده در بحران آذربایجان، در کارزار جنبش ملی شدن صنعت نفت (با طرح ملی شدن تنها نفت جنوب و با حمایت از خواست اخذ امتیاز نفت شمال ایران از سوی اتحاد شوروی)، توجیه حمایت شوروی از حکومت پهلوی در سال‌های چهل و پنجاه خورشیدی، همه و همه جنبش چپ مسلحانه را به پرهیز از هر گونه دنباله‌روی از قطب‌های کمونیستی آن زمان، یعنی اردوگاه‌های شوروی و چین کشاند.

این یکی از شناسه‌های جنبش چپ چریکی ایران بود که نه وابسته به اردوگاه شوروی شد و نه دلسپرده اردوگاه چین. این جنبش با پا فشاری بر استقلال خواهی، حتی در حوزه پلمیک‌های رایج آن زمان بین دو اردوگاه نیز قرار بر آن گذاشت تا صف نگیرد.

دوم: پهنه ایران

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و عملکرد انفعالی حزب توده، شکست چشمگیری را بر نیروهای چپ ایران تحمیل کرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و به ویژه با اعلام و اجرای "انقلاب سفید"، احزاب سیاسی اپوزیسیون ایران چون جبهه ملی یا حزب توده با سرگشتگی سیاسی روبه رو شدند. این که در برابر طرح‌های اصلاحی شاهانه، چه سیاستی برگزینند؟

گروهی بر آن بودند که باید صدا سر داد که "اصلاحات آری، دیکتاتوری نه"، و گروهی دیگر اصلاحات را به سود انکشاف سرمایه داری در ایران می‌پنداشتند که مآلاً به نفع تحولات جدی اجتماعی در جهت سوسیالیسم قلمداد می‌شد. آن زمان، این گفتمان غالب بین احزاب سیاسی بود. در زمان نخست وزیری علی امینی حتی گام‌هایی هم برای فعالیت علنی احزاب برداشته شد. حزب توده هم خیزکی برداشت.

گمان بر این بود که پرونده دوران سیاه پس از کودتا، گویا بسته شده است. شاه اما حکومت امینی را هم برنخواست و پس از سرکوب خیزش ۱۵ خرداد، شتابان به سوی یک دیکتاتوری همه جانبه حرکت کرد و راه‌های مبارزه قانونی را بست.

بر چنین بستری از رفتار سیاسی بود که جنبش مسلحانه شکل گرفت و سطح رابطه حکومت و ملت را به چنان ارتقاعی کشاند که با نفع قاطع حکومت، اپوزیسیون را بر سر دو راهی سیاسی قرار داد: یا با حکومت، یا بر حکومت.

سوم: پهنه اخلاق سیاسی

از پی روزهای سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این فرهنگ یأس و ناامیدی بود که سایه‌اش را بر همه جای میهن گسترانده بود. یأسی که بیشتر از هرجا در ادبیات آن زمان خود را نمایاند. اخوان ثالث از "زمستان" می‌گفت و شاملو راوی "مرگ وارطان" بود.

جز شمار کوچکی از افسران حزب توده یا پایبندان به ارزش‌های "نهضت ملی"، کنشگران سیاسی دیروز یا در پی کسب و کار آب و نان دار بودند و یا به کشاله قدرت چسبیده و در نهادهای حکومتی صاحب مقام.

جنبش چپ مسلحانه اما در سپهر اخلاق سیاسی به طرح فرهنگی برخاست که مبلغ امید بود و پویایی. نوید شکنندگی ساختار قدرت سیاسی را داد و خود را پیشاهنگ مبارزه برای تحقق آن دانست. پیشاهنگی که از جان می‌گذاشت. نام خود را فدائی گذاشت. فدائی مردم ایران.

انتخاب این نام خود اشاره به گسستی از فرهنگ سیاسی پیشین داشت. حرکت تازه خود را "نوین" خواند. تأکید بر "نوین" بودن جنبش یا "نوین" بودن فرهنگ، کلام آن زمان بود. فرهنگ نوین هم اشاره به رفتار سیاسی داشت و هم به رفتار فردی.

در رفتار سیاسی به طرح از خود گذشتگی نشست و از جان مایه گذاشت و در رفتار فردی، فداکاری و ایثار را تبلیغ کرد. در رفتار سیاسی، مقاومت در برابر شکنجه تا پای جان، اصل شد و عدول از آن موجب عقوبتی جانکاه. سازشی در کار نبود. یا با خلق بودی و باید با غرور بر سر باورت می‌ایستادی و یا سرشکسته و سرافکنده در پیشگاه تاریخ. این را در رفتار بسیاری از پیشگامان و رهروان جنبش مسلحانه می‌شد سراغ گرفت. در رفتار فردی نیز مبلغ فرهنگی شد پالوده، از خود گذشته و به خدمت تهری دستان و فرودستان درآمده. تأثیر این فرهنگ میان هواداران جنبش انقلابی و دیگر کنشگران سیاسی آن سال‌ها یادکردنی است.

***تورج اتابکی، استاد تاریخ اجتماعی، پژوهشکده بین‌المللی تاریخ اجتماعی و دانشگاه لین اس**



چریک فدائی خلق بهروز دهقانی

در چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل، یادی از رفیق بهروز دهقانی فرزند راستین خلق ایران

"او مرگ را سرودی کرد"؛ این عنوان، شایسته بهروز دهقانی (این اسطوره مقاومت) است. تا زنده بود، زندگیش را در خدمت به خلق صرف کرد؛ و با مقاومت قهرمانانه خود و با مرگ حماسی اش در زیر شکنجه‌های رژیم شاه و تأثیری که در جامعه به جای گذاشت در واقع - "مرگ را سرودی کرد" پادش گرامی "علی اشرف درویشیان"